

## بررسی آثار سیاستهای اقتصادی دولت بر توزیع درآمدها

دکتر ابراهیم گرجی\*

### مقدمه

در چند دهه گذشته، اقتصاددانان نرخ رشد تولید ناخالص ملی (GNP) و، به همین ترتیب، سرانه GNP را معیاری از اصلاح و پیشرفت<sup>۱</sup> هر جامعه در نظر می‌گرفتند. ولی باید توجه داشت که این معیارها بخودی خود نتوانستند توضیح‌دهنده این موضوع باشند که چگونه منافع ایجاد شده از رشد اقتصادی بلندمدت در بین بخشهای مختلف جامعه توزیع خواهند گشت.

تجارب جدید بدست آمده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از یک سو و درک بهتر نظری از رابطه بین توزیع درآمد و فرآیند توسعه از سوی دیگر، با این دیدگاه که رشد اقتصادی بخودی خود می‌تواند مشکل نابرابری درآمد را در یک دوره زمانی منطقی حل کند و یا کاهش دهد، در تضاد می‌باشد.<sup>۲</sup>

به عنوان مثال، در خلال سالهای ۱۹۷۰، به رغم سعی و تلاشی که تعداد بیشتری از کشورهای در حال توسعه جهت دستیابی به اهداف مشخص شده رشد اقتصادی که به وسیله سازمان ملل (بین ۵ تا ۷ درصد نرخ رشد سالانه GNP) تعیین شده بود، نمودند، موضوع نابرابری درآمد بین کشورها کمابیش همچنان در داخل کشورهای در حال توسعه به حال خود باقی ماند و این کشورها نتوانستند به میزان قابل ملاحظه‌ای نابرابریهای موجود را بهبود بخشند. در نتیجه، از آنجائی که ممکن است نرخ رشد بالای اقتصادی نتواند توزیع درآمد اجتماعی مطلوبی را به وجود آورد، لذا معمولاً دخالت بخش دولت در جهت توزیع مجدد درآمد و ثروت بخش خصوصی مورد توجه سیاستمداران و برنامه‌ریزان قرار خواهد گرفت.<sup>۳</sup> البته باید اشاره نمود که نقش

\* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

1 - Improvement

2 - Dudley Seers, "The meaning of development," in *The Political Economy of Developing and Underdevelopment*, Edited by Cborls k. Wilber, Kandom House, New York, 1473, PP 6-7.

3 - Bernard Herber, *Modern Public Finance*, (Richard Irving INC. 1963), P. 335.

سیاستهای بودجه‌ای بخش دولت در جهت تغییر در توزیع درآمدها، مدتهاست که از جنبه نظری و تاریخی، موضوع مجادله و مناظره اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی قرار گرفته است. این امر در حقیقت از یک نظر می‌تواند درست باشد، زیرا تاحدی دخالت بخش دولت در توسعه اقتصادی و اثرگذاری آن بر توزیع درآمدها، بستگی به اندازه و ترکیب سیاستهای مالیاتی و مخارج دولت خواهد داشت. به عنوان مثال، مخارج دولت بر روی خدمات اجتماعی (مانند تعلیم و تربیت، بهداشت، پرداختهای رفاهی و غیره) به طریقی می‌تواند توزیع گردد که در جهت بهبود وضع افراد کم‌درآمد باشد. پس اگر چنین سیاستی دنبال گردد، هر قدر که اندازه مخارج دولتی بر روی این اقلام بزرگتر و بیشتر باشد، به همان صورت، اثرات توزیع مجدد در درآمدها بزرگتر و بیشتر خواهند بود.

به طور کلی، عواملی که می‌توانند اثرات قابل توجهی بر روی توزیع درآمدها داشته باشند، از یک طرف عبارت‌اند از طرح و الگوی مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم و، از طرف دیگر، افزایش مخارج دولتی و راه و روشی که این مخارج تخصیص داده می‌شوند. به عبارت دیگر، اثر مخارج دولت بر روی توزیع درآمدها بستگی به توزیع این مخارج به بخشها، مناطق، و یا گروه‌های درآمدی خواهد داشت.

در نتیجه، برای یافتن این نکته که نابرابری<sup>۴</sup> افزایش و یا کاهش یافته است باید اثر آن در خالص<sup>۵</sup> دوره‌های مختلف ارزیابی گردد.<sup>۶</sup>

البته باید به خاطر داشت که بهترین منبع قابل دسترسی برای اندازه‌گیری توزیع درآمدها، مخارج مصرفی خانوارها<sup>۷</sup> می‌باشد که به مثابه منبع اساسی اطلاعات برای مطالعه توزیع درآمدها از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگرچه بررسی توزیع درآمدها و اثرات سیاستهای بودجه‌ای دولت بر روی آن چندین دهه است که در کشورهای مختلف آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقایی مورد توجه قرار گرفته و مقالات مختلفی در این زمینه ارائه گشته است، ولی این مطالعات در ایران سابقه چندان طولانی نداشته‌اند و تحقیقات معدودی در این

4 - Inequality

5 - Net incidence

۶ - تغییرات کل توزیع درآمد خانوارها که به وسیله دخالت دولت به وجود می‌آید، اثر خالص تعریف می‌گردد. اصطلاح اثر خالص، در حقیقت به معنی نتیجه نهایی تحمل فشار مالیاتی (Tax burden) از یک طرف و منافع حاصل از مخارج دولت (government expenditure) از طرف دیگر است.

7 - Household expenditure surveys

زمینه انجام گرفته است. شاید بتوان گفت که در این زمینه اولین تحقیق به وسیله «اوشیما» در سال ۱۹۷۰ انجام داد که نتیجه آن حاکی از بسیار متمرکز بودن الگوی توزیع درآمدها در ایران می باشد در صورتیکه ضریب جینی بین ۶٪ تا ۷٪ تخمین زده شده است.<sup>۸</sup> او در مطالعات خود بدین جمع بندی رسیده است که پس انداز منفی بسیار بالایی در گروههای درآمدی پایین مناطق روستایی وجود دارد و در، مقابل، گروههای درآمدی بالای مناطق شهری، از نرخ پس انداز مثبت بالایی برخوردارند.

پس از آن، مطالعه دیگری به وسیله پسران درباره الگوی توزیع درآمدها (برای همان سالها) انجام گرفته که نتایج مختلف آن او را بدین جمع بندی رسانده است که توزیع درآمدها در این دورهها بدتر شده است و نابرابری در بین درآمدهای گروههای مختلف جامعه از یک طرف، و مناطق شهری و روستایی از طرف دیگر افزایش یافته است.<sup>۹</sup> اگر چه او بدین نتیجه رسیده بود که نابرابری در میان گروههای مختلف شهری از یک طرف و نیز بین گروههای مختلف روستایی از طرف دیگر افزایش یافته است، ولی توزیع درآمد در مناطق روستایی از نابرابری کمتری نسبت به مناطق شهری برخوردار است. او، در نهایت، چنین نتیجه می گیرد که اگر چه کشور از رشد اقتصادی برخوردار بوده است ولی گروههای درآمدی بالا بیشتر از گروههای درآمدی پایین از آن منتفع گشته اند.

در همین زمینه، مطالعه دیگری را لونی در مورد اقتصاد ایران انجام داده است. او معتقد است که نتیجه راهبرد دستیابی به رشد اقتصادی بالا برای کشور چیزی جز ایجاد توزیع نابرابر درآمدها بین مناطق شهری و روستایی از یک طرف، و بین طبقات درآمدی بالا و پایین از طرف دیگر نبوده است.<sup>۱۰</sup> و بالاخره، تجزیه و تحلیل تحمل بار مالیاتی که<sup>۱۱</sup> به وسیله مهران آن را مورد مطالعه قرار داده است، به این نتیجه کلی دست می یابد که سیاستهای مالیاتی دولت هیچگونه اثر قابل توجهی در کاهش نابرابری بین گروههای مختلف

8 - H. Oshima ; "Income Distribution, " Mission warling paper No.II, Employment and Income policies lin Iran, world Employment Programme, (Geneva: ILO, 1973).

9 - M.H. Pesaran; Income Distribution Tredns in Rural and Urban "; Mimeographed paper, (Tehran: BMI, March 1974).

10 - Robert E: Loony, A Dovelopment strategy for Iran through the 1980s; (New York Praeger publishers, 1977), P.12.

11 - Tax incidence analysis

درآمدی، به رغم وجود یک رشد اقتصادی مداوم، نداشته است.<sup>۱۲</sup> او در ادامه تحقیقات بدین نتیجه رسیده است که در ایران مهمترین عامل مشخصه برای نابرابری درآمد، و به همین ترتیب مخارج، دو بخش بودن<sup>۱۳</sup> مناطق شهری و روستایی می باشد.

### (۱) تجزیه و تحلیل تحمل فشار پیش از سیاستگذاریهای مالی<sup>۱۴</sup>

در این بخش، تلاش بر این است که تحمل فشار وارده بر اقشار مختلف شهری و روستایی را قبل از اعمال سیاستگذاریهای مالی مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در اینجا تلاش خواهد شد که درجه نابرابری در درآمد،<sup>۱۵</sup> به وسیله تخمین ضرایب جینی اندازه گیری گردد. سپس، این ضریب جینی با ضرایب جینی به دست آمده پس از اثرگذاری سیاستهای مالی دولت، مقایسه گردد تا از این طریق بتوان اثر سیاستهای بودجه‌ای دولت را بر روی توزیع درآمدها ارزیابی کرد.

اصطلاح فشار، که در این مطالعه همراه با رنج حاصل از مالیات<sup>۱۶</sup> و یا منافع حاصل از مخارج<sup>۱۷</sup> به کار برده می شود، مفهوم گسترده‌ای را در بر گرفته است، به طوری که تمام اثرات مالیاتهای دولتی و منافع حاصل از مخارج را در بر خواهد گرفت.

از دیدگاه میرمن، فشار به عنوان تغییر کلی در توزیع درآمد خانوار است که به وسیله دخالت دولت بوجود خواهد آمد.<sup>۱۸</sup> البته باید توجه داشت که ما در اینجا از درآمد صحبت می‌کنیم نه از رفاه. گرچه توجه اصلی باید به رفاه معطوف گردد نه درآمد، ولی از آنجایی که رفاه را نمی‌توان اندازه گیری نمود در صورتیکه درآمد قابل اندازه گیری است و درآمد نیز از درجه همبستگی بالایی از رفاه برخوردار می‌باشد، در نتیجه، می‌توان از آن به عنوان تخمینی<sup>۱۹</sup> برای رفاه استفاده نمود.

فشار مالیاتی به وسیله کاهش در درآمد حقیقی حاصل از اعمال آن مالیات اندازه گیری می‌گردد. ماسگریو

12 - F. Mehran, "Taxes and Incomes: Distribution of Tax Burden in Iran," ILO, Geneva, act.

1975

13 - Dichotomy

14 Pre-Fiscal Incidence Analysis

15 - Degree of income inequality

16 - Tax burden

17 - Expenditure benefit

18 - Jacob Meerme, Public Expenditures in Malaysia: Who Benefits and why?, (Oxford University press, 1974), P.44.

19 - Proxy

در تعریف خود بیان می‌دارد که اصطلاح فشار به وضعیت نهایی یا مستقیم رنج پولی<sup>۲۰</sup> ناشی از چنین مالیاتی اطلاق می‌شود.<sup>۲۱</sup>

سلیگمن نیز فشار را به معنی وقوع تحمل و رنج مالیات بر روی پرداخت‌کننده نهایی مالیات تعریف می‌کند.<sup>۲۲</sup> پس در این مقاله، اثر فشار را<sup>۲۳</sup> به عنوان تغییر حاصله در توزیع درآمد قابل دسترسی جهت استفاده خصوصی<sup>۲۴</sup> تعریف خواهیم کرد. تغییرات ایجاد شده در توزیع درآمد بخاطر توزیع تحمل و رنج مالیاتی و منافع حاصله از مخارج دولت اندازه‌گیری خواهند شد.

## ۲) اندازه‌گیری نابرابری

در بسیاری از مطالعات آماری، روش متعارف برای اندازه‌گیری فشار، تخمین نسبت تمرکز<sup>۲۵</sup> و یا ضریب شاخص جینی<sup>۲۶</sup> است.

از نظر شاتز، گرچه روشهای متفاوتی برای اندازه‌گیری نابرابری وجود دارد، ولی عمومی‌ترین روش برای اندازه‌گیری نابرابری در درآمد را می‌توان از طریق مکانیزم لورنز به دست آورد.<sup>۲۷</sup> در نتیجه، با توجه به موضوع بالا باید اشاره کرد که ضریب جینی (نسبت تمرکز یا شاخص جینی) تفاوت میان خط برابری مطلق (قطر شکل زیر) و منحنی لورنز که در شکل زیر به صورت منطقه هاشور زده نشان داده شده است، نسبت به منطقه مثلث ایجاد شده در زیر خط قطر می‌باشد.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

20 - Money burden

21 - Richard A. Musgrave, *The Theory of Public Finance: A study in Public Economy* (New York: MC Graw Hill 1979), P.227.

22 - Edwin R. Seligman, "The shifting and incidence of Taxation," ed. Columbia university Press, (New York: 1921). P.1.

23 - Incidence effect

24 - Private use

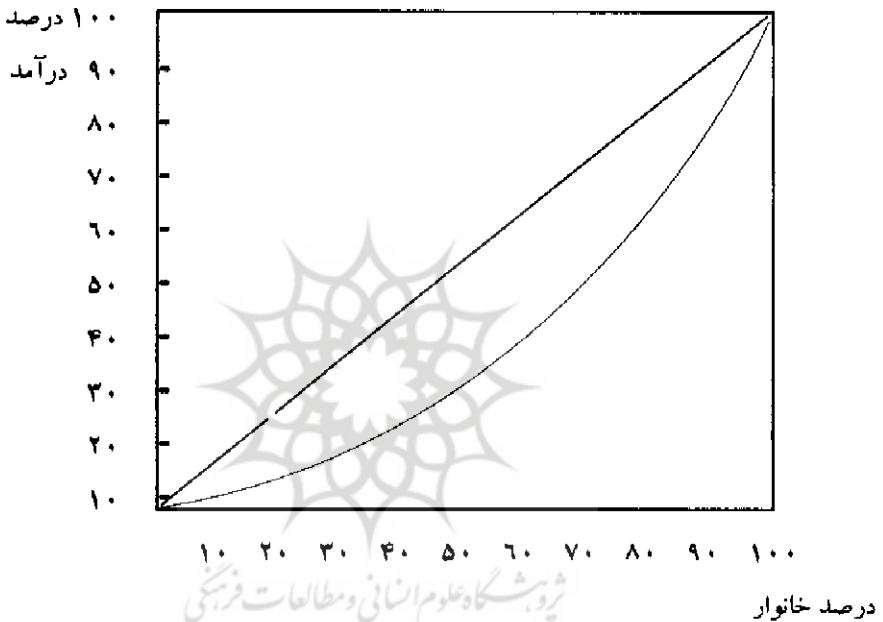
25 - Concentration ratio

26 - Gini index

27 - Robert R. Shutz, "On the Measurement of Inequality", *American Economic Review*, 41 (1951): P.7-22.

بدین معنی که شاخص جینی تمرکز<sup>۲۸</sup> معیاری از تمرکز درآمد است که از منحنی لورنز از طریق نقطه گذاری درصد تجمع واحدها (خانوارها یا افراد) بر روی محور افقی، و درصد تجمع درآمد کل محاسبه شده برای این واحدها بر روی محور عمودی (مانند شکل زیر) به دست می آید.

شکل (۱): منحنی لورنز نابرابری درآمد



هر قدر که نابرابری در توزیع درآمد بیشتر باشد، منطقه بین خط قطر و منحنی لورنز بیشتر و بزرگتر خواهد بود.

با توجه به مفاهیم ارائه شده در بالا تلاش نمودیم که بر اساس یک تجزیه و تحلیل آماری، توزیع درآمدها در مناطق شهری و روستایی را قبل و بعد از اعمال سیاستگذاریهای دولت، براساس محاسبه ضریب جینی برای سالهای گوناگون، محاسبه کنیم و به ارزیابی سیاستگذاریها پردازیم.

در این مقاله، الگوی توزیع درآمدها را در غیاب وجود مخارج دولت و مالیاتها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم و سپس با تخصیص بار فشار مالیاتی و نیز منافع حاصل از مخارج دولت به گروههای مختلف درآمدی، الگوی توزیع درآمدها پس از تأثیرگذاری سیاستهای مالی دولت را ارزیابی خواهیم کرد. به عبارت دیگر، اثرات توزیع مجدد<sup>۲۹</sup> سیاست بودجه<sup>۳۰</sup>، پس از اعمال مالیاتها و مخارج دولت مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

### ۳) توزیع درآمد در مناطق شهری

بر اساس محاسبات انجام شده در مورد منحنی لورنز، این چنین به نظر می‌رسد که توزیع درآمد (قبل از اعمال مالیاتها و مخارج دولت) خانوارهای شهرنشین نشان دهنده تمایلی به سوی نابرابری بیشتر است. این بدین معنی است که در دو دهه گذشته یک نوع توزیع مجدد درآمد از گروههای درآمدی کم درآمد به گروههای درآمدی پر درآمد به وقوع پیوسته است.

برای محاسبه، از آمارهای بودجه خانوار بانک مرکزی استفاده کرده و، با ساختن دهکهای گروههای درآمدی، سهم درآمدی گروههای مختلف درآمدی را برای سالهای مختلف به همراه ضریب جینی محاسبه شده در جدولهای زیر نشان داده‌ایم.

تخمینهای محاسبه شده جینی نشان می‌دهند که ضریب تمرکز به طور مداوم در طول سالها افزایش یافته و از ۰/۳۱۱۴ (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۰/۴۹۲۵ (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) و سپس به ۰/۵۴۳۲ (در سالهای ۸۰-۱۹۷۹) رسیده است. این افزایش ضریب جینی دلالت بر این دارد که در طول این دوره، نابرابری به طور مداوم افزایش یافته است؛ بدین معنی که تغییرات اساسی در توزیع درآمدها در مناطق شهری به وجود آمده است.

جدول (۱): سهم درآمدی خانوارها در مناطق شهری

دهکهای گروهی	درصد سهم درآمد		
	۱۹۷۴-۷۵	۱۹۷۷-۷۸	۱۹۷۹-۸۰
۰-۱۰	۴	۲	۱
۱۰-۲۰	۳	۳	۲
۲۰-۳۰	۶	۴	۵
۳۰-۴۰	۶	۶	۴
۴۰-۵۰	۱۰	۷	۶
۵۰-۶۰	۷	۶	۶
۶۰-۷۰	۱۱	۹	۱۱
۷۰-۸۰	۱۲	۹	۸
۸۰-۹۰	۱۳	۱۳	۲۲
۹۰-۱۰۰	۲۸	۴۱	۳۵

جدول (۲): ارزش جینی برای مناطق شهری در سالهای مختلف

سالها	مناطق شهری
۱۹۷۴-۷۵	۰/۳۱۱۴
۱۹۷۷-۷۸	۰/۴۹۲۵
۱۹۷۹-۸۰	۰/۵۴۳۲

جدول (۳): سهم درآمدی گروههای مختلف همراه با ضریب جینی

در مناطق شهری

سالها	سهم				ضریب جینی
	سهم ۴۰٪ پائین جامعه	سهم ۴۰٪ متوسط جامعه	سهم ۲۰٪ بالای جامعه	سهم ۱۰٪ بالای جامعه	
۱۹۷۴-۷۵	۱۹	۴۰	۴۱	۲۸	۰/۳۱۱۴
۱۹۷۷-۷۸	۱۵	۳۱	۵۴	۴۱	۰/۴۹۲۵
۱۹۷۹-۸۰	۱۲	۳۱	۵۷	۳۵	۰/۵۴۳۲



به منظور بررسی فرآیندی که موجب پیدایش چنین نابرابری فزاینده‌ای شده است، درصد سهم درآمد کل چهار گروه مختلف اجتماعی را در جدول (۳) ارزیابی خواهیم کرد. سهم درآمدی ۴۰٪ طبقه پایین جامعه از ۱۹٪ کل درآمد (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۱۵٪ کل درآمد (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) و سپس به ۱۲٪ کل درآمد (در سالهای ۸۰-۱۹۷۹) کاهش یافت. در همین زمان سهم درآمدی ۴۰٪ طبقه متوسط جامعه از ۴۰٪ کل درآمد (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۳۱٪ کل درآمد (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) کاهش یافته و سپس از سالهای ۷۸-۱۹۷۷ تا سالهای ۸۰-۱۹۷۹ بدون تغییر باقی مانده است. در همین دوره، سهم ۲۰٪ خانوارهای طبقه بالای درآمدی به طور مداوم افزایش یافته و از ۴۱٪ کل درآمد (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۵۴٪ (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) رسیده و سپس برای سالهای ۸۰-۱۹۷۹ به ۵۷٪ کل درآمد افزایش یافته است. و بالاخره، در خلال همین دوره، ۱۰٪ طبقه درآمدی بالای جامعه از یک رشد سهم درآمدی ۲۸٪ به ۴۱٪ طی سالهای ۷۵-۱۹۷۴ تا سالهای ۷۸-۱۹۷۷، سود برده و سپس از این دوره تا سالهای ۸۰-۱۹۷۹ کاهش ملایمی در سهم درآمدی آنها به وجود آمده به گونه‌ای که ۴۱٪ کل درآمد جامعه به ۳۵٪ کل درآمد کاهش یافته است.

مهم‌ترین نکته‌ای که درباره این نتایج می‌توان بیان کرد این است که این نتایج ممکن است بازتابی از تغییرات ساختاری در الگوی توزیع درآمدها در مناطق شهری در خلال این دوران باشند.

#### ۴) توزیع درآمد در مناطق روستایی

همانند روش محاسبه شده برای مناطق شهری، سهم درآمدی گروههای مختلف درآمدی را همراه با ضریب جینی برای مناطق روستایی محاسبه کرده و به صورت جدولهای زیر نشان داده‌ایم.

جدول (۴): سهم درآمد خانوارها در مناطق روستایی

دهکهای گروهی	درصد سهم درآمد		
	۱۹۷۴-۷۵	۱۹۷۷-۷۸	۱۹۷۹-۸۰
۰-۱۰	۳	۲	۱
۱۰-۲۰	۶	۳	۳
۲۰-۳۰	۶	۶	۴
۳۰-۴۰	۸	۷	۵
۴۰-۵۰	۸	۸	۷
۵۰-۶۰	۱۰	۸	۸
۶۰-۷۰	۱۲	۱۰	۱۰
۷۰-۸۰	۱۱	۱۳	۱۳
۸۰-۹۰	۱۵	۱۴	۱۷
۹۰-۱۰۰	۲۱	۲۹	۳۲

جدول (۵): ارزش جینی برای مناطق روستایی

سالها	مناطق روستایی
۱۹۲۴-۷۵	۰/۲۶۶۷
۱۹۷۷-۷۸	۰/۳۹۸۶
۱۹۷۴-۸۰	۰/۴۶۶۲

جدول (۶): سهم درآمدی گروههای مختلف همراه با ضریب جینی

سالها	در مناطق روستایی				ضریب جینی
	سهم ۴۰٪ پایین جامعه	سهم ۴۰٪ متوسط جامعه	سهم ۲۰٪ بالای جامعه	سهم ۱۰٪ بالای جامعه	
۱۹۷۴-۷۵	۲۳	۴۱	۳۶	۲۱	۰/۲۶۶۷
۱۹۷۷-۷۸	۱۸	۳۹	۴۳	۲۹	۰/۳۴۸۶
۱۹۷۹-۸۰	۱۳	۲۸	۴۹	۳۲	۰/۴۲۶۲

از ارقام تخمین زده شده، چنین بر می آید که روند کلی تغییرات در توزیع درآمد در مناطق روستایی، در خلال دوره مورد بررسی، همانند روند تغییر مناطق شهری می باشد. به ویژه مشاهده می گردد که نسبت تمرکز در طول سالها افزایش یافته است.

در مقایسه ارزشهای به دست آمده از نسبت تمرکز بین مناطق شهری و روستایی دیده می شود که اگر چه تغییرات الگوی توزیع درآمدها بین مناطق روستایی و شهری شبیه هم هستند ولی توزیع درآمدها در بین خانوارهای شهری از نابرابری بیشتری نسبت به خانوارهای روستایی برخوردار بوده است.

در حقیقت، می توان گفت که این نتیجه گیری با این فرض که در کشورهای در حال توسعه جمعیت روستایی در مشخصه های ساختاری اش یکپوختی<sup>۳۱</sup> بیشتری نسبت به جمعیت شهری دارد، هماهنگی و همخوانی خواهد داشت. جدول (۵) ارزش ضریب جینی را برای مناطق روستایی نشان داده است.

حال با توجه به فرآیند توزیع درآمد مناطق روستایی در جدول (۶)، می توان ملاحظه کرد که سهم خانوارهای پایین درآمدی به طور مداوم پایین آمده و از ۲۳٪ کل درآمد (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۱۸٪ (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) و سپس به ۱۳٪ از کل درآمد (در سالهای ۸۰-۱۹۷۹) کاهش یافته است. در خلال همین دوره، سهم ۴۰٪ طبقه متوسط درآمدی به آرامی کاهش یافته و از ۴۱٪ به ۳۹٪ و بالاخره به ۳۸٪ کل درآمد در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ رسیده است. در همین دوره سهم ۲۰٪ خانوارهای با درآمد بالا به طور مداوم فزونی یافته و از ارزش نسبتاً بالای ۳۶٪ (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۴۳٪ (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) و سپس به ۴۹٪ (در سالهای ۸۰-۱۹۷۹) رسیده است. و بالاخره، سهم درآمدی ۱۰٪ خانوارهای بالای جامعه از ۲۱٪ (در سالهای ۷۵-۱۹۷۴) به ۲۹٪ (در سالهای ۷۸-۱۹۷۷) و سپس به ۳۲٪ (در سالهای ۸۰-۱۹۷۹) افزایش یافته است.

شاید یکی دیگر از دلایل وجود نابرابری کمتر در مناطق روستایی، نسبت به مناطق شهری، عبارت از این باشد که در خلال این دوره سهم ۴۰٪ خانوارهای متوسط کاهش چشمگیری پیدا نکرده بود.

##### ۵) فرآیند توزیع کلی بین مناطق شهری و روستایی

با نگرش به شواهد آماری و تخمین نسبتهای تمرکز در مورد الگو و فرآیند توزیع درآمدها بین مناطق شهری و روستایی، در می یابیم که درآمدهای شهری سریع تر از درآمدهای روستایی افزایش یافته است. به

علاوه، در مناطق شهری، درآمد از توزیع نابرابری نسبت به مناطق روستایی برخوردار بوده، به طوری که سهم ۴۰٪ طبقات پایین و متوسط درآمدی خانوارها در مناطق شهری (در مقایسه با درآمد کل مناطق شهری) کمتر از سهم ۴۰٪ طبقات پایین و متوسط درآمدی خانوارها در مناطق روستایی (در مقایسه با درآمد کل مناطق روستایی) بوده است. ولی سهم ۲۰٪ و ۱۰٪ خانوارهای با درآمد بالا در مناطق شهری بیشتر از سهم این طبقات در مناطق روستایی بوده است.

بنابراین، افزایش شکاف بین مناطق شهری و مناطق روستایی ممکن است باعث بدتر شدن سطح نابرابری در توزیع درآمد کل گردیده باشد.<sup>۳۲</sup>

این گسترده تر شدن شکاف بین مناطق شهری و روستایی حاکی از وجود یک اقتصاد دوگانه بوده؛ به گونه‌ای که آن، بخش به اصطلاح مدرن شهری خیلی سریع تر از بخش سنتی روستایی جهش<sup>۳۳</sup> نموده است. به علاوه، رشد نسبتاً کمتر کارآیی<sup>۳۴</sup> در بخش کشاورزی و نرخ رشد بالای جمعیت در مناطق روستایی نسبت به شهری، که موجب افزایش کارگران بدون مهارت گشته است، در بین سایر عناصر ساختاری، از عواملی هستند که باعث افزایش شکاف بین مناطق شهری و روستایی گشته‌اند.<sup>۳۵</sup>

## ۶) برخی سیاستها و زمینه‌های ساختاری

برای درک بهتر و روشن تر از اینکه چرا گذشت زمان تغییرات شدیدی در توزیع درآمدها رخ نموده است، بعضی از سیاستها و زمینه‌های ساختاری<sup>۳۶</sup> را در این بخش و بخشهای دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهیم.

۱ - گسترده تر شدن شکاف میان مناطق شهری و روستایی در طول زمان، نتیجه تمرکز بسیار زیاد ثروت

۳۲ - این مسأله بخصوص در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ بیشتر نشان داده شده است یعنی وقتی که نسبت درآمد سرانه شهری به روستایی (قبل از اعمال سیاستهای مالی) از ۲/۱۱ در سالهای ۷۵-۱۹۷۴ به ۲/۷۰ در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ افزایش یافته بود. در این رابطه بعداً توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

33 - Take-off

34 - Productivity

۳۵ - سهم بخش کشاورزی در تولیدات کل در این دوره کاهش یافته، در حالی که سهم بخش صنعتی افزایش پیدا کرده است.

36 - Institutional Background

میان گروهی منتخب<sup>۳۷</sup> از تحصیل کنندگان طبقه بالای درآمدی در مناطق شهری، وجود بیکاری بسیار زیاد در مناطق شهری، و هم چنین وجود یک طبقه روستایی دارای درآمد ناچیز و یا در مسیر سراسیبی و سقوط درآمد و ثروت در این طبقه، به وجود آمده است.

۲ - براساس آمار و ارقام به دست آمده از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی می توان این چنین نتیجه گرفت که درآمد خانوارهای تحصیل کرده (بخصوص کسانی که دارای تحصیلات دانشگاهی می باشند) با سرعتی بیش از درآمد کسانی که دارای تحصیلات کمتری هستند، رشد یافته است.<sup>۳۸</sup>

بنابراین، از آنجایی که خانوارهایی که در دهکهای درآمدی پایین قرار دارند معمولاً از تحصیلات کمتری هم برخوردارند، در مقایسه با گروههای درآمدی دهکهای بالا، دارای نرخ بیکاری بیشتری هستند، و سرپرست خانواده یا برای خودش کار میکند (در مناطق روستایی) و یا اینکه درآمدش از طریق دستمزد و حقوق تأمین می گردد (مناطق شهری)، که اینها خود ممکن است باعث بدتر شدن نابرابری درآمدها در طول زمان شده باشد.

مطالعه ای که به وسیله پسران انجام داده است نشان می دهد که در بین سایر عوامل دیگر، سطح تحصیلات خانوارها، دارای تأثیر بسزایی در توزیع درآمدها در ایران بوده است.

۳ - استفاده از روشهای سرمایه بر<sup>۳۹</sup> برای صنعتی شدن، ممکن است دلیلی دیگر برای پیدایش افزایش نابرابری، بخصوص در مناطق شهری، شده باشد. زیرا صنعتی کردن جامعه، حقوق و منافع زیادی را برای گروه کوچک نیروی کار ماهر (آموزش دیده) و دارندگان دارایی های فیزیکی<sup>۴۰</sup> به وجود خواهد آورد. به عنوان مثال، در برنامه توسعه چهارم فقط ۴/۰٪ از کل تعداد تولیدکنندگان دارای واحدهای تولیدی بزرگ بوده (دارای ۵۰ نفر نیروی کار و یا بیشتر) بودند و با استخدام ۲۳٪ از کل نیروی کار صنعتی و ۴۱٪ ارزش افزوده کل صنعتی را تولید می نمودند؛ در حالی که در خلال همین مدت تولیدکنندگان کوچک (۱۰ نفر نیروی کار و کمتر) که ۲/۹۷٪ کل واحدهای تولیدی را تشکیل می دادند ۶۷٪ نیروی کار صنعتی را به

37 - Blite

۳۸ - به نظر می رسد که تحصیلات بهتر باعث بازدهی بیشتر سرمایه انسانی می گردد، بطوری که غالباً طبقه متوسط و بخصوص گروههای درآمدی بالا در مناطق شهری و مناطق روستایی از آن بهره مند می شوند.

39 - Capital Intensive Method

40. Physical Assets

استخدام درآوردند و تنها ۲/۳۶٪ از ارزش افزوده را خلق می نمودند.<sup>۴۱</sup>  
 بنابراین، ممکن است چنین نتیجه گرفت که عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان کوچک باعث ایجاد نابرابری بیشتر در مناطق شهری و نهایتاً در کل کشور در طول زمان گشته است.<sup>۴۲</sup>  
 ۴ - دیدگاهها و نظریات متفاوت درباره پذیرش احتمال خطر، ممکن است عامل دیگر افزایش نابرابری در مناطق روستایی باشد.

کشاورزان کوچک، به خاطر محدودیت دستیابی به منابع نسبت به کشاورزان بزرگ، کمتر قدرت پذیرش و تحمل خطر را دارند و اصولاً علاقه‌ای هم به پذیرش آن ندارند. این امر تا جایی که به موضوع مقاله مربوط می‌شود، دال بر این است که کشاوران کوچک نسبت به کشاورزان بزرگ تمایل کمتری به ابداع و نوآوری دارند. بنابراین، منافع بلندمدت تغییرات تکنولوژیکی، بیشتر جذب کشاورزان بزرگ می‌گردد و در نتیجه وضع کشاورزان کوچک نسبتاً بدتر خواهد شد.

۵ - بازده به مقیاس<sup>۴۳</sup> دلیل دیگر سودبری کشاورزان بزرگ از ابداعات و اختراعات است، چرا که باعث شکاف بیشتر در توزیع نابرابری درآمدها خواهد گشت. به عنوان مثال، استفاده از تراکتورهای بزرگ و خرمن‌کوبهای کامباین باعث پیدایش بازده به مقیاس خواهد شد. لذا ماشینی کردن (مکانیزه کردن) از این نوع، باعث فشار<sup>۴۴</sup> بیشتر بر روی دستمزدهای کارگران کشاورزی می‌شود چرا که اینها جایگزین نیروی کار می‌گردند و در نتیجه باعث کاهش درآمد حاصل از کشاورزی کشاورزان کوچک می‌شوند. در حقیقت، این جایگزینی باعث کاهش هزینه تولید مزارع بزرگ و، در نهایت، موجب کاهش قیمت‌های محصولات کشاورزی خواهد گشت. پس در یک نتیجه گیری کلی می‌توان گفت که تغییراتی تکنولوژیکی از این نوع، احتمالاً باعث

41 - R.E Looney; The Economic Development of Iran: A Recent Susvey with Production to 1981; New York: Praegers Publishers, 1973.

۴۲ - به طور کلی، می‌توان گفت که تأکید زیاد بر روی تکنولوژی سرمایه‌بر پیشرفته باعث می‌گردد که تقاضا برای نیروی کار به سمت کارگران بامهارت چولگی پیدا کند. به علاوه، از آنجایی که بخش مدرن اساساً در مناطق شهری پایه‌گذاری می‌گردد، رشد سریع تکنولوژی سرمایه‌بر مدرن موجب کاهش و فقدان اشتغال کارآمد مؤثر برای بخش سنتی شهری - مانند نساجی، صنعت چرم و غیره - که اساساً بر پایه واحدهای کوچک تولید کالاها می‌کاربر استوارند، خواهد گشت.

افزایش نابرابری و فقر خواهد گردید.

اثر جانبی خرید وسایل ماشینی بزرگ توسط تعداد کمی از افراد این است که آنها صاحب قدرت انحصاری، در مقابل کسانی که قادر به خریداری آنها نبوده‌اند ولی نیاز به آنها داشته‌اند، خواهد گشت. در نتیجه می‌توان گفت که این یک حالت دیگر از وجود بازار رقابت ناقص در کشاورزی است که باعث پیدایش عدم کارایی و شکاف بیشتر در توزیع درآمدها می‌گردد. از آنجایی که استفاده از تکنولوژی جدید نیازمند دسترسی به مقداری سرمایه است، و استفاده از هر نوع ابداع و اختراعی نیز خطراتی دربر خواهد داشت، لذا کشاورزان بزرگ بیشتر قادر به استفاده از این تکنولوژیهای جدید خواهند بود و نتیجه آن چیزی جز بیشتر شدن اختلافات درآمدی نخواهد بود.

۶ - مسأله دیگری که باید بدان توجه نمود این است که، فعالیتهای اقتصادی در ایران دارای عدم توازن و تعادل<sup>۴۵</sup> بسیار زیادی هستند. به عنوان مثال، استان مرکزی به تنهایی بیش از ۴۰٪ (بدون در نظر گرفتن نفت) از درآمد ملی خالص را پدید آورده و  $\frac{۲}{۵}$  محصولات مصرفی و بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری کشور و تولیدات کارخانه‌ای را تولید می‌کند، در حالی که تنها  $\frac{۱}{۵}$  کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است.<sup>۴۶</sup> بنابراین، ممکن است این چنین استدلال گردد که توزیع نابرابر فعالیتهای اقتصادی و تفاوت‌های درآمدی منطقه‌ای مربوط به آن موجب بدتر شدن الگوی توزیع شده باشد.

۷ - از ابتدای سالهای ۱۹۷۰ فشارهای تورمی در ایران شروع گردیده و تا به حال همچنان ادامه یافته است. در طول تمام این سالها، متوسط نرخ افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده بالای ۲۰٪ بوده است. این میزان بالای تورم، درآمد حقیقی را از گروههای درآمدی پایین به گروههای درآمدی بالا منتقل نموده است (به خاطر این حقیقت که MPC گروههای درآمدی پایین بیشتر از MPC گروههای درآمدی بالاست)، بنابراین می‌توان گفت که در خلال این دوره نوعی توزیع مجدد ثروت به نفع گروههای درآمدی بالا رخ داده است.

۸ - توزیع داراییها یک عامل مشخص‌کننده مهمی در سطح و فرآیند توزیع درآمد کشور بوده است. آزمون و بررسی از الگوی اعتبارات و سایر شکل‌های کمک‌های دولتی که به وسیله لونی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که این برنامه‌های دولتی، گروههای ثروتمند روستایی را به مراتب بیش از گروههای فقیر و کم‌درآمد

45 - Unbalanced

46 - R.E.Looney; A Development Strategy for Iran Throughout the 1980s; (New York: Praeger publishers, 1971.

منتفع نموده است. ۴۷

۹ - منبع دیگر، نابرابری مهاجرت مردم از مناطق کم درآمد روستایی به مناطق پر درآمد شهری بوده است. ۴۸  
این افراد مهاجر (بدون داشتن دانش علمی و فنی، به عنوان نیروی کار غیرکارآ) معمولاً جذب گروه‌های درآمدی پایین طبقه شهری گردیده‌اند که این خود باعث افزایش درجه نابرابری در میان خانوارهای شهری شده است. به علاوه، چنین مهاجرتی از مناطق دارای نابرابری کمتر به مناطق دارای نابرابری بیشتر موجب شده است که نابرابری کل به دلیل افزایش وزن و اهمیت آن بخشی که از نابرابری بیشتری برخوردار است، بیشتر گردد.

#### ۷) معیار اندازه‌گیری تحمل و فشار مالیاتی و منافع حاصل از مخارج دولتی

تخصیص فشار و تحمل بار مالیاتی و نیز منافع حاصل از مخارج دولت از طرف دیگر در طبقات مختلف درآمدی هم برای مناطق شهری و هم روستایی نشان خواهد داد که بودجه دولت با توجه به توزیع درآمدها چگونه عمل خواهد نمود. در این بخش، به فشار مالیاتی و منافع مخارج دولت و اثرات کلی حاصله از بودجه دولت بر روی طبقات مختلف درآمدی در رابطه با اقتصاد ایران می‌پردازیم. بنابراین، برای نشان دادن روش محاسبه تحمل فشار مالیاتی و منافع حاصله از مخارج دولت، انتخاب بعضی فرض براساس نظریه (تئوری)، ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۱ - ۷) فشار مالیاتی ۴۹

تخمین توزیع فشار مالیاتی ایجاد شده از طریق طبقات درآمدی، ارائه دهنده و مشخص‌کننده شاخصی از عدالت نظام مالیاتی برای طبقات مختلف درآمدی خواهد بود. مطالعه توزیع تحمل بار مالیاتی از روی طبقات

47 - R. E. Looney; Economic origins of the Iranian Revolution; (New York: Peryamon press. Inc. 1982), P. 141.

۴۸ - اختلاف در کیفیت زندگی و فرصتهای شغلی بین مناطق شهری و روستایی، افزایش تقاضا برای نیروی کار کم‌مهارت بر اثر سیاست صنعتی‌کردن کشور و غفلت از بخش کشاورزی عوامل مهمی بودند که باعث جریان آرام و مداوم مهاجرت به شهرها گشتند.



درآمدی، دارای چندین دهه سابقه تاریخی می‌باشد. در سالهای ۵۲-۱۹۵۱ مطالعه بسیار جامعی در این زمینه به وسیله ریچارد ماسگریو و رابرت تاکر انجام گرفت که روشهای گوناگونی برای تخمین توزیع بار مالیاتی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مناظرات در نهایت به توافقاتی عمده‌ای دربارهٔ طبیعت، محدودیتها و اهمیت چنین مطالعاتی انجامید.<sup>۵۰</sup>

به علاوه می‌توان گفت که انجام هیچگونه انجام ظرافت کاری و اصلاحات و ظرفیت کار در منابع آماری نمی‌تواند نیاز به چنین مفروضات اختیاری را در مورد فشارهای مالیاتی نادیده انگارد.<sup>۵۱</sup>

از جمله نتایج کلی مطالعه فشار مالیاتی این است که فشار هر نوع مالیات بخصوص در بلندمدت ممکن است تفاوت بسیار زیادی با آن چه که در کوتاه مدت ایجاد می‌نماید، داشته باشد. زیرا عاملی که بر روی آن مالیات وضع شده است دارای آنچنان توان و قدرتی می‌باشد که می‌تواند حداقل قسمتی از مالیات را از طریق تغییرات ایجاد شده در اندازه آن عامل<sup>۵۲</sup> در اقتصاد، به بخشهای دیگر منتقل نماید. بنابراین، فشار هر نوع تغییر مالیاتی ممکن است به سیاست مالی انتخاب شده به وسیله دولت جهت تأمین مالی کسری بودجه‌اش بستگی داشته باشد. البته باید خاطر نشان ساخت همان گونه که در نظریه فشار مالیاتی اشاره شد، در اینجا تلاش بر این است که فشار مالیاتی را از طریق دنبال کردن اثرات آن بر روی:

الف - درآمد دریافت شده تولیدکنندگان بر روی کالایی که مالیات بر آن وضع شده و یا بخشی که مالیات وضع شده است (منبع تأمین مالی)؛

ب - مخارج مصرفی یک خانواده (منبع استفاده از منابع)

مشخص و معین نمود. پس تحمل بار مالیاتی بر روی هر خانوار، برابر با حاصل جمع فشار تحمل شده به وسیله اعضای آن خانوار، هم به عنوان تولیدکننده و هم مصرف‌کننده، خواهد بود.

برای اندازه گیری و تخمین عملکرد فشار بودجه<sup>۵۳</sup> جدولهایی از اندازه توزیع درآمدها که از طریق دهکهای درآمد خانوارها اندازه گیری شده است، ساخته شده‌اند. مفهوم درآمد در این مطالعه دربرگیرنده

50 - George A. Bishop, "The tax Burden by Income class, 1958," National Tax Journal, 14 (March 1961), PP. 41-58.

۵۱ - بیشاپ در کتاب فوق‌الذکر در صفحه ۴۳ اشاره نموده است که در محاسبات درآمد ملی، فشار مالیاتی به عنوان پایه اصلی و بنیادین در تفاوت و تمایز بین مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است.

درآمد معمولی به علاوه درآمد نوعی<sup>۵۴</sup> است. این در حقیقت، توزیع درآمد از قبل<sup>۵۵</sup> با توزیع درآمد قبل از اثرگذاری مالیاتها و مخارج دولتی خواهد بود. پس درآمد خانوار از قبل، به وسیله اخذ مالیات کاهش یافته و مجدداً به وسیله منافع حاصل از مخارج دولت افزایش یافته است تا اینکه بتوان معیاری از توزیع درآمد پس از کسر مالیات را با توجه به در نظر گرفتن اثرگذاری فعالیتهای دولت به دست داد. در اینجا اثرات متغیرهای مختلف مالیاتها و مخارج دولت برای طبقات مختلف درآمد بررسی می‌شود، و سپس اثر همزمان این متغیرها برای مشخص کردن اثرات کلی در هر یک از طبقات درآمدی مورد آزمون و بررسی قرار خواهد گرفت؛ بدین معنی که جبهتهای ضرر و منافع معادله مالی<sup>۵۶</sup> با هم ترکیب می‌گردد تا بتوان به توزیع ضرر و یا منافع خالص دست یافت. نرخ مؤثر خالص<sup>۵۷</sup> ممکن است برای هر طبقه بخصوص منفی یا مثبت باشد که خود بستگی به پیشی گرفتن ضرر از منافع و بالعکس دارد.

بدیهی است که نگاه ما به نتیجه اثر خالص در سطح کل خواهد بود، زیرا آنچه در این میان اهمیت دارد، در حقیقت ترکیب کل مالیات مخارج سیاست مالی است.

## ۲- ۷) منافع حاصل از مخارج دولت

برای اینکه بتوانیم تجزیه و تحلیل جامعی از آثار بودجه ارائه دهیم، باید علاوه بر بخش فشار مالیاتی، بخش مخارج دولتی را هم به دقت بررسی کنیم. تجزیه و تحلیل مالیاتها بدون توجه به بخش مخارج بودجه با معنی نخواهد بود، مگر اینکه فرض کنیم که تغییرات ایجاد شده در اثر مخارج دولت به قدری کوچک است که در سیاستگذارها اثر چندانی ندارد. در این بررسی، مخارج دولت را بر هفت بخش به شرح زیر تقسیم نموده‌ایم: آموزش و پرورش، بهداشت، رفاه اجتماعی، کشاورزی، منافع داخلی<sup>۵۸</sup>، مخارج دفاعی و اداره دولت و، بالاخره، توسعه شهری و روستایی. روشی (متدولوژی) که برای تخمین توزیع منافع مخارج عمومی به کار برده شده، روش سوبسیدها<sup>۵۹</sup> نامیده شده است. در این روش فرض گردیده که منافع و مضار مخارج دولتی بجای اینکه به کسانی که منافع عاید آنها می‌گردد منتقل گردد، مستقیماً بر روی دریافت‌کنندگان آن منتقل گشته است.

54 - Income in Kind

55 - Ex-ante income Distribution

56 - Burden and benefit side of the fiscal equation

57 - Net Effective Rate

58 - Domestic Interest

59 - Subsidy Approach

به عنوان مثال، فرض شده است که منافع مخارج کشاورزی بر روی درآمد کشاورزی انتقال یافته است، و یا اینکه گروه دریافت‌کنندگان مخارج تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان بوده‌اند و ... الی آخر.

هدف ما در این مطالعه آن است که تحمل فشار نسبی<sup>۶۰</sup> که از طریق مقایسه نرخهای مؤثر مالیاتهای پرداخت شده از یک طرف و مخارج دریافت شده به وسیله خانوارها از طرف دیگر ارزیابی می‌گردد، اندازه‌گیری شود، که نتیجه این کار چیزی جز تجزیه و تحلیل تحمل بار فشار بودجه نخواهد بود.

نرخ مالیات مؤثر برای درآمد طبقه  $i$  ام را می‌توان به صورت زیر نشان داد؛

$$t_i = \frac{T_i}{Y_i} (100) \quad (1)$$

که در آن  $t_i$ ، نرخ مالیات مؤثر از درآمد طبقه  $i$  ام،  $T_i$  مالیاتهای اعمال شده و پرداخت گردیده خانوارها در طبقه  $i$  ام، و  $Y_i$  درآمد دریافت شده خانوارهای طبقه  $i$  ام است.

به همین ترتیب نرخ مؤثر مخارج در طبقه  $i$  ام را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$e_i = \frac{E_i}{Y_i} (100) \quad (2)$$

که در آن،  $e_i$  نرخ مؤثر مخارج برای طبقه  $i$  ام،  $E_i$  مخارج دولتی اعمال شده و دریافت گردیده توسط طبقه  $i$  ام، و  $Y_i$  درآمد دریافت شده خانوارها در طبقه درآمدی  $i$  ام است.

همچنین باید اشاره نمود که در این مطالعه تلاش شده است که تفاوت در تحمل بار و فشار<sup>۶۱</sup> بین مناطق شهری و روستایی اندازه‌گیری گردد. سپس در این راستا مقایسه‌ای از الگوی تحمل بار و فشار بودجه بین مناطق شهری و روستایی به عمل آمده است. پس از آن مقایسه‌ای بین قبل و بعد از تحمل بار و فشار بودجه از قبل توزیع درآمد صورت گرفته است. در اینجا برای رسیدن به معیار واحد از وجود پیشرفت<sup>۶۲</sup>، توزیع اولیه درآمد با توزیع درآمد پس از تحمل بار فشار بودجه مورد مقایسه قرار گرفته است. برای انجام این کار، همان‌گونه که قبلاً هم اشاره کردیم، ضرایب جینی را تخمین زده و مقایسه کرده‌ایم.

نظام مالیات تصاعدی و یا نظام مخارج تنازلی با کاهش در نابرابری درآمدها همراهند؛ در حالی که نظام تنازلی مالیاتی و یا نظام تصاعدی مخارج دولت منعکس‌کننده افزایش در نابرابری درآمد هستند.

و بالاخره، در حالتی که نابرابری درآمدها قبل و پس از اعمال مالیات (مخارج) منتج به درآمدهای یکسانی

گردد یعنی هیچگونه تغییری در درآمدها به وجود نیاورد، نظام مالیات (مخارج) نسبی<sup>۶۳</sup> نامیده می‌شود.

## ۸) اثرات توزیعی دولت

در این بخش، مقایسه بین توزیع منافع<sup>۶۴</sup> و مضار و زیان<sup>۶۵</sup> حاصل از تمام خدمات دولتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. به عبارت دیگر، اثرات توزیعی مالیاتهای دولتی را از یک طرف و مخارج آن را از طرف دیگر بررسی کرده‌ایم. ارزش جینی را هم برای مالیاتهای مختلف و هم برای منافع حاصل از مخارج مختلف محاسبه و با قبل از تجزیه و تحلیل فشار مالی<sup>۶۶</sup> مقایسه کرده‌ایم. سپس اثرات توزیعی ترکیبی نظام مالیاتی ایران و منافع حاصل از مخارج دولت را همراه با محاسبه ارزشهای جینی و مقایسه آنها با قبل از تحمل و فشار مالی، برای ارزیابی اثرات توزیعی کل مالیاتها و مخارج دولت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

### ۱ - ۸) توزیع فشار مالیاتی بین طبقات مختلف درآمدی

باید یادآوری نمود که اساساً برای ارزیابی اثرات توزیعی مالیاتهای مختلف بر روی الگوی توزیع درآمد، باید مفاهیم درآمدهای قبل و بعد از مالیات بدقت مورد ارزیابی قرار گیرند. به طور کلی، توزیع پس از مالیات<sup>۶۷</sup> را می‌توان از راه کسر کردن فشار مالیات از توزیع درآمد قبل از مالیات مربوط استخراج نمود. با توجه به این مسأله، ضرایب جینی تخمین زده شده پس از معرفی مالیاتهای مختلف در تجزیه و تحلیل، با حالات قبل از تحمل فشار مالی مورد مقایسه قرار گرفته و در جدولها نشان داده شده‌اند.

### ۱ - ۱ - ۸) مناطق شهری

مقایسه ارزشهای به دست آمده برای ضرایب جینی پس و قبل از اعمال مالیات نشان می‌دهد که در بسیاری از این سالها ارزشهای ضرایب جینی افزایش یافته است. از این امر به روشنی می‌توان این چنین گرفت نمود که اعمال مالیاتها، بخودی خود آثار مخربی بر نابرابری درآمدها داشته است.

63 - Proportiona

64 - Benefits

65 - Burden

66 - Pre-fiscal Incidence Analysis

67 - After-tax distribution

## ۲- ۱- ۸) مناطق روستایی

برای مناطق روستایی نیز همانند مناطق شهری در اغلب سالها، ارزشهای ضرایب جینی پس از اعمال مالیات بزرگتر از ارزشهای آن قبل از اعمال مالیات بوده است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که مالیاتها اثر منفی بر الگوی توزیع درآمدها در مناطق روستایی داشته اند. در خلال این دوران، تخمینها نشان می دهند که مسیر و جهت آثار مالیاتها در مناطق شهری و روستایی هر دو یکی بوده است. به علاوه، باید اشاره نمود که مالیاتها به طور کلی دارای آثار توزیعی منفی در ایران بوده اند، گرچه این اثرات منفی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است. در نتیجه، بطور کلی می توان اشاره نمود که کاربرد این نتایج بدست آمده، دلالت بر این دارد که مالیاتها منجر به افزایش شکاف میان فقرا و ثروتمندان گردیده، شکافی که عموماً در طول سالها افزایش نیز یافته است.

به طور کلی، دلایل زیر نشان دهنده علت وجود این شکاف در اقتصاد ایران در دوره مورد نظر است:

- ۱ - وجود نظام مالیاتی ضعیف در ایران باعث افزایش سطح نابرابری گشته است. از آنجایی که دولت می توانست درصد بالایی از مخارجش را از طریق درآمدهای نفتی تأمین نماید، در نتیجه، هیچگونه تلاشی جهت بهبود نظام مالیاتها و افزایش میزان آن ننموده است.
  - ۲ - درصد بالایی از درآمدهای غیرنفتی دولت از مالیات بر واردات و مالیاتهای غیرمستقیم تأمین می گردد. فشار این مالیاتها از آن رو که MPC طبقات کم درآمد بیشتر از MPC طبقات پردرآمد است، به گروههای درآمدهای پایین منتقل می شود که نتیجه اش جز ایجاد نابرابری بیشتر نخواهد بود.
  - ۳ - به علت عدم وجود نظام قوی اخذ مالیات و همچنین رشوه خواری، بسیاری از شرکتها از پرداخت مالیات به طرق گوناگون خودداری می نمایند.
  - ۴ - ایجاد معافیتهای مالیاتی برای شرکتهای بزرگ، به خاطر حمایت از تولیدات داخلی در مقابل شرکتهای خارجی، باعث ایجاد سودهای کلان برای طبقات بالای درآمدی گشته، که این خود افزایش شکاف را بیشتر نموده است.
- در نتیجه، باید اذعان نمود که به خاطر معافیتهای مالیاتی از یک طرف و وجود رشوه خواران از طرف دیگر، به جای کاهش شکاف درآمدی، افزایش در آن به وجود آمده است.

تخمین ضرایب جینی برای قبل و پس از اعمال مالیات  
(مناطق شهری)

مالیاتها	ضرایب جینی ۱۹۷۴-۷۵		ضرایب جینی ۱۹۷۷-۷۸		ضرایب جینی ۱۹۷۹-۸۰	
	قبین از مالیات	پس از مالیات	قبین از مالیات	پس از مالیات	قبین از مالیات	پس از مالیات
مالیات برافراد	۰/۳۱۱۴	۰/۳۱۰۴	۰/۴۹۲۵	۰/۴۹۵۲	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۴۳
مالیات شرکتهای	۰/۳۱۱۴	۰/۳۱۲۱	۰/۴۴۲۵	۰/۴۹۸۱	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۶۳
مالیات بردارایی	۰/۳۱۱۴	۰/۳۰۸۶	۰/۴۹۲۵	۰/۴۴۳۶	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۳۱
سایر مالیاتهای مستقیم	۰/۳۱۱۴	-	۰/۴۹۲۵	-	۰/۵۴۳۲	-
مالیات غیرمستقیم	۰/۳۱۱۴	۰/۳۰۴۴	۰/۴۹۲۵	۰/۴۴۵۲	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۴۶
سایر مالیاتهای غیرمستقیم	۰/۳۱۱۴	-	۰/۴۹۲۵	-	۰/۵۴۳۲	-
مالیات بر واردات	۰/۳۱۱۴	۰/۳۱۳۸	۰/۴۹۲۵	۰/۵۰۲۳	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۵۲
مالیات کلی	-	۰/۳۵۳۳	-	۰/۵۰۹۶	-	۰/۵۵۴۴

تخمین ضرایب جینی برای قبل و پس از اعمال مالیات  
(مناطق روستایی)

مالیاتها	ضرایب جینی ۱۹۷۴-۷۵		ضرایب جینی ۱۹۷۷-۷۸		ضرایب جینی ۱۹۷۹-۸۰	
	قبین از مالیات	پس از مالیات	قبین از مالیات	پس از مالیات	قبین از مالیات	پس از مالیات
مالیات برافراد	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۶۴	۰/۳۹۸۶	۰/۳۹۹۲	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۷۱
مالیات شرکتهای	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۶۳	۰/۳۹۸۶	۰/۴۰۲۴	۰/۴۶۶۲	۰/۴۷۱۲
مالیات بردارایی	۰/۲۶۶۷	-	۰/۳۹۸۶	-	۰/۴۶۶۲	-
سایر مالیاتهای مستقیم	۰/۲۶۶۷	-	۰/۳۹۸۶	-	۰/۴۶۶۲	-
مالیات غیرمستقیم	۰/۲۶۶۷	۰/۳۶۹۱	۰/۳۹۸۶	۰/۳۹۹۷	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۶۲
سایر مالیاتهای غیرمستقیم	۰/۲۶۶۷	-	۰/۳۹۸۶	-	۰/۴۶۶۲	-
مالیات بر واردات	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۷۶	۰/۳۹۸۶	۰/۴۰۲۳	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۹۴
مالیات کلی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۸۹	۰/۳۹۸۶	۰/۴۰۸۸	۰/۴۶۶۲	۰/۴۷۸۲

تخمین ضرایب جینی برای قبل و پس از اعمال مخارج دولت  
(مناطق شهری)

مخارج	ضرایب جینی ۱۹۷۴-۷۵		ضرایب جینی ۱۹۷۷-۷۸		ضرایب جینی ۸۰-۱۹۷۹	
	قبل از مخارج	پس از مخارج	قبل از مخارج	پس از مخارج	قبل از مخارج	پس از مخارج
تعلیم و تربیت	۰/۳۱۱۴	۰/۲۹۹۵	۰/۴۹۲۵	۰/۴۶۹۰	۰/۵۴۳۲	۰/۵۲۷۵
بهداشت	۰/۳۱۱۴	۰/۳۰۳۴	۰/۴۹۲۵	۰/۴۸۸۷	۰/۵۴۳۲	۰/۵۳۹۵
رفاه اجتماعی	۰/۳۱۱۴	۰/۳۰۴۴	۰/۴۹۲۵	۰/۴۹۳۵	۰/۵۴۳۲	۰/۵۳۹۶
توسعه مناطق شهری و روستایی	۰/۳۱۱۴	۰/۳۰۶۰	۰/۴۹۲۵	۰/۴۸۹۲	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۱۲
مخارج عمومی	۰/۳۱۱۴	۰/۲۸۴۱	۰/۴۹۲۵	۰/۴۶۹۲	۰/۵۴۳۲	۰/۵۲۵۴
ارزش کل	-	۰/۲۷۸۳	۰/۴۵۰۲	-	-	۰/۴۱۳۵

تخمین ضرایب جینی برای قبل و پس از اعمال مخارج دولت  
(مناطق روستایی)

مخارج	ضرایب جینی ۱۹۷۴-۷۵		ضرایب جینی ۱۹۷۷-۷۸		ضرایب جینی ۸۰-۱۹۷۹	
	قبل از مخارج	پس از مخارج	قبل از مخارج	پس از مخارج	قبل از مخارج	پس از مخارج
تعلیم و تربیت	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۵۲	۰/۳۴۸۶	۰/۳۹۴۴	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۰۱
بهداشت	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۶۲	۰/۳۹۸۶	۰/۳۸۷۰	۰/۴۶۶۲	۰/۴۵۳۶
رفاه اجتماعی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۵۸	۰/۳۹۸۶	۰/۳۹۶۷	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۴۰
کشاورزی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۵۶۱	۰/۳۹۸۶	۰/۳۸۹۰	۰/۴۶۶۲	۰/۴۵۶۳
توسعه مناطق شهری و روستایی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۴۷	۰/۳۹۸۶	۰/۳۹۶۴	۰/۴۶۶۲	۰/۴۶۲۵
مخارج عمومی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۵۰۲	۰/۳۹۸۶	۰/۳۵۵۳	۰/۴۶۶۲	۰/۴۲۷۴
ارزش کل	-	۰/۲۳۷۰	-	۰/۳۳۶۳	-	۰/۳۹۹۶

## ۲- ۸) توزیع منافع حاصل از مخارج دولت بر روی طبقات مختلف درآمدی

## ۱- ۲- ۸) مناطق شهری

به طور کلی، ارقام تخمین زده شده نشان می‌دهند که میان درصد مخارج دولت بر روی مخارجی بخصوص و کاهش درجه نابرابری، همبستگی مثبت وجود دارد. هر چقدر مخارج دولت بر روی بخش خصوصی بیشتر باشد، این مخارج اثر بیشتری بر روی کاهش نابرابری خواهد داشت. ولی زمانی که به تفاوت میان دو تخمین قبل و پس از اعمال مخارج دولت نگاه می‌کنیم، بدین نتیجه می‌رسیم که یک ریال مخارج دولت بر روی بخشهای مختلف دارای اثرات توزیعی متفاوتی خواهد بود. به عبارت دیگر، وزن اثر مخارج مختلف بر روی توزیع مجدد درآمدها یکسان نخواهد بود. به عنوان مثال، مخارج عمومی دولت بیش از سه برابر مخارج تعلیم و تربیت بوده، در حالیکه اثرات توزیعی تعلیم و تربیت بسیار قوی‌تر از اثرات توزیعی مخارج عمومی بوده است. یا در مثالی دیگر، در خلال دوره ۸۰-۱۳۷۹ که مخارج عمومی دولت حدود سه برابر مخارج تعلیم و تربیت بوده است، این امر ارزش جینی را فقط به اندازه ۳/۲۷ درصد کاهش داده است در حالی که در همین دوره این رقم برای تعلیم و تربیت ۲/۸۹ درصد کاهش پذیرفته است. به همین ترتیب، مقایسه بهداشت و تعلیم و تربیت برای بسیاری از این دوران نشان می‌دهد که یک ریال مخارج دولت بر روی تعلیم و تربیت اثر توزیعی بیشتری از یک ریال مخارج بر روی بهداشت داشته است.

## ۲- ۲- ۸) مناطق روستایی

محاسبات و تخمینهای گوناگون نشان می‌دهند که الگوی مخارج دولت در مناطق روستایی تقریباً متفاوت بوده است. در این مناطق، تعلیم و تربیت برای توزیع درآمدها به اندازه مناطق شهری مهم نبوده است و یک ریال از مخارج دولت بر روی هزینه‌های عمومی، بیشتر از تعلیم و تربیت در توزیع مجدد درآمدها اثر داشته است. مخارج دولت در فعالیتهای کشاورزی، به نسبت، دارای اثرات مهمتری نسبت به مخارج عمومی دولت، و اثرات کمتری نسبت به مخارج بهداشت در توزیع مجدد درآمدها بوده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی کلی نشان می‌دهد که اگر دولت بعضی ترکیبات مخارج خود را از بعضی از بخشها به بخشهای دیگر منتقل می‌کرد، با همان میزان مخارج کل می‌توانست نقش مهم‌تری در توزیع بهتر درآمدها بازی کند. به عنوان مثال، انتقال بعضی از مخارج از بخش عمومی به تعلیم و تربیت می‌توانست اثرات توزیعی بهتری در مناطق شهری داشته باشد؛ به همین ترتیب، انتقال مقداری از این مخارج به بخش بهداشت و فعالیتهای



کشاورزی می‌توانست نابرابری درآمدها را در مناطق روستایی بهبود دهد. بخشد به طور کلی، در دوره مورد بررسی، تعلیم و تربیت دارای بیشترین اثر بالقوه در کاهش نابرابری درآمدها در مناطق شهری بوده و به همین ترتیب، مخارج بهداشت بیشترین اثر بالقوه را در کاهش نابرابری در مناطق روستایی داشته است. و سرانجام، برای ارزیابی اثرات کل توزیعی<sup>۶۸</sup> مالیاتها و مخارج دولت، اثر توزیعی بار و فشار مالیاتی گوناگون و هم‌چنین منافع حاصل از مخارج گوناگون دولت را که قبلاً محاسبه نموده‌ایم، با هم ترکیب نموده در بخش بعدی تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

### ۹) اثرات توزیعی دولت

تخمینها و محاسبات انجام شده نشان می‌دهند که، به‌طور کلی، هم بار و فشار مالیاتی ایجاد شده و هم منافع حاصل از مخارج دولت برای طبقات مختلف درآمدی مناطق شهری، بیشتر از مناطق روستایی برای همان طبقات درآمدی بوده است.

اکنون برای اینکه قادر به ارائه یک نظریه عمومی و کلی از روند، توزیع درآمد در سطح کل، باشیم، تغییر در تفاوت‌های موجود بین مناطق شهری - روستایی<sup>۶۹</sup> برای دوره‌های مختلف قبل و پس از اعمال سیاستهای مالیاتی محاسبه شده‌اند. این جدول نشان می‌دهد که شکاف بین مناطق شهری و روستایی در مقایسه با قبل از اعمال سیاستهای مالیاتی در سالهای ۷۵-۱۹۷۴ افزایش یافته ولی برای بقیه دوران کاهش پذیرفته است. درآمد متوسط مناطق شهری در سالهای ۷۵-۱۹۷۴ بیش از دو برابر مناطق روستایی بوده و این نسبت برای سالهای بعد بزرگتر هم شده است. ولی پس از اعمال سیاستهای بودجه‌ای، این شکاف برای سالهای ۷۵-۱۹۷۴ افزایش و سپس برای بقیه دوران کاهش داشته است.

#### نسبتهای درآمد شهری - روستایی

سال	نسبتهای قبل از اعمال سیاستها	نسبتهای پس از اعمال سیاستها
۱۹۷۴/۷۵	۲/۱۱	۲/۲۰
۱۹۷۷/۷۸	۲/۷۰	۲/۵۰
۱۹۷۹/۸۰	۲/۴۱	۲/۲۹

بنابراین می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که سیاستهای مالی دولت در سالهای گذشته توانسته است تنها اثر ناچیزی در کاهش نابرابری درآمدها بین مناطق شهری و روستایی داشته باشد. ولی ملاحظه می‌گردد که به‌رغم این کاهش شکاف از سالهای ۷۷-۱۹۷۷ تا سالهای ۸۰-۱۹۷۹، باز هم شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ بیشتر از سالهای ۷۵-۱۹۷۴ است و این خود حاکی از آن است که سیاستهای مالی دولت در گذشته به اندازه کافی قوی نبوده است تا بتواند پس از اعمال سیاستهای مالی، اختلاف بین مناطق شهری و روستایی را کاهش دهد؛ به‌رغم این حقیقت که این سیاستها توانسته‌اند این نابرابری‌ها را در مقایسه با قبل از اعمال سیاستهای مالی دولت در هر دوره کاهش دهند.

دلایل زیر ممکن است بتوانند تبیین‌کننده وضع پیش آمده باشند:

۱ - مخارج سرمایه‌گذاری دولت در گذشته تأکید زیادی بر روی مناطق شهری داشته است. بسیاری از این مخارج در فعالیتهای خدماتی مدرن (مانند فعالیتهای بانکی و بیمه) انجام گرفته و یا آنکه در بخشهای ساختمانی و صنایع که لازمه استفاده از سرمایه‌های زیاد و یا تکنولوژی بالاست مصرف شده است. این سرمایه‌گذاریها به قیمت بخش کشاورزی، که نسبتاً فراموش شده بودند، انجام گرفت. بنابراین، نتیجه چیزی جز در بخش کشاورزی و ایجاد شکاف بیشتر بین مناطق شهری و روستایی و مهاجرت از روستاها به شهرها نبوده است.

۲ - کاتوزیان در مطالعات خود بدین نتیجه رسید که سطح کارآیی و بازدهی نیروی کار بر کشاورزی نسبت به صنایع و خدمات به میزان قابل ملاحظه‌ای پایین تر است.<sup>۷۰</sup>

در نتیجه، از آنجا که، به مرور ایام، محصول و فرآورده نسبی هر کارگر در بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت به نسبت بیشتری کاهش یافت، وضعیت بخش کشاورزی بدتر گشت که نتیجه آن بدتر شدن شکاف بین مناطق شهری و روستایی بوده است.

۳ - فرآیند جایگزینی واردات اثر معکوس بر روی توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی داشته است. ظاهراً زمانی که دولت راهبرد جایگزینی واردات را اعمال می‌کرد، توزیع بخشی درآمد<sup>۷۱</sup> بین مناطق شهری و روستایی با نرخ هشدار دهنده‌ای شروع به گسترش نمود.<sup>۷۲</sup>

70 - H. Katouzian; The political Economy of Modern Iran; (New York pergamon press INC., 1982), P. 2510.

71 - Intersectoral distribution of income

72 - R.E. Loony; Economic origins of The Iranian revolution; (New York: Pergamon Press INC., 1982), P. 33.

این عمل بدین جهت به وقوع پیوست که در مراحل اولیه جایگزینی واردات، انگشت تأکید بر تکنولوژی سرمایه‌بر برای جایگزینی کالاهای مصرفی با دوام گذاشته شد. در نتیجه، این عمل منجر به جذب نیروی کار کمتر و در نتیجه افزایش بیکاری در مناطق شهری و روستایی گشت.<sup>۷۳</sup>

ادل من و رایسنون استدلال نمودند که راهبرد جایگزینی واردات به‌طور کلی هم بر توزیع درآمدها و هم در جهت گسترش فقر، ناقص و غیرکارآ عمل خواهد نمود.<sup>۷۴</sup>

به علاوه، آنها استدلال نمودند که این راهبرد کاملاً یک طرفه است؛ بدین معنی که این راهبرد به نفع کارگران شهری، بخصوص دارندگان مهارت‌های بالاست، و باعث خراب‌تر شدن وضع خانوارهای روستایی که هم اکنون نیز فقیرند، خواهد گشت. لذا به نظر می‌رسد که این راهبرد به گونه‌ای طراحی شده است که به طبقات تحصیل‌کرده و متخصص شهری، و آن هم فقط به قیمت بخش کشاورزی، منفعت برساند.

۴ - گراهام در مطالعات خود بدین نتیجه رسید که اگر چه پس از افزایش قیمت‌های نفت، در آمد مناطق روستایی هم افزایش یافت، ولی این افزایش فقط از طریق افزایش مخارج دولت صورت پذیرفته است نه از راه ایجاد تغییراتی ساختاری که بتواند رفع شکاف بین مناطق شهری و روستایی را تضمین نماید.<sup>۷۵</sup>

۵ - در حقیقت، انگیزه بسیار کمی وجود داشت که صنایعی در مناطق روستایی و در شهرهای کوچک دایر گردد. برای اینکه تمامی تصمیمات، ارتباطات و غیره در تهران و چند شهر بزرگ متمرکز شده بود و هیچ کس هم نمی‌خواست خارج از این مناطق قرار داشته باشد. در نتیجه، این وضع خود باعث پیدایش شکاف بین مناطق شهری و روستایی و افزایش بیشتر مهاجرت به سوی شهرهای بزرگ گردید.

۶ - به نظر می‌رسد بدتر شدن وضعیت مبادله کشاورزی یکی از دلایل عمده افزایش شکاف درآمدها بین مناطق شهری و روستایی است. در طول این دوران، میزان کالاهای مورد نیاز کشاورزی برای مبادله با میزان ثابتی از محصولات غیرکشاورزی به‌طور مداوم افزایش یافت. به‌طور کلی، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که

73 - Theodore Morgan; Economic Development: Concepts and strategy; (New York: Harper and Row, 1975), P.202.

74 - Adelman L., and M. Robinson, Income Distribution policy in Developing Countries, (Stanford California: Stanford university press, 1978), P.121.

75 - Robert Graham; Iran: The Illusion of power; (New York: St Martin's Press Inc., 1980), P.118.

بهبود رابطه مبادلات محصولات کشاورزی نه تنها باعث بهتر شدن برابری خواهد گشت، بلکه لازمه توسعه برنامه‌های روستایی و نهایتاً کاهش فقر و بهبود توزیع درآمدها خواهد بود.

۷ - لونی استدلال نمود که تخصیص نسبت نابرابر مخارج توسعه<sup>۷۶</sup> در بین بخشهای مختلف، عامل دیگر در توزیع نابرابری بین مناطق شهری و روستایی می‌باشد. (همان منبع، صفحه ۱۲۴)

### ۱۰) مقایسه توزیع درآمدها قبل و پس از اعمال سیاست بودجه‌ای

در این بخش، توزیع درآمدهای اولیه با توزیع درآمدهای پس از اعمال سیاست بودجه‌ای دولت، مورد مقایسه قرار گرفته است. برای این کار، ضرایب جینی مناطق شهری و روستایی برای قبل و پس از اعمال سیاست مالی، محاسبه و مقایسه شده‌اند.

#### ارزش ضرایب جینی برای قبل و پس از اعمال سیاستهای مالی

سال	شهری		روستایی	
	قبل از سیاست مالی	پس از سیاست مالی	قبل از سیاست مالی	پس از سیاست مالی
۱۹۷۴-۷۵	۰/۳۱۱۴	۰/۲۸۸۲	۰/۲۶۶۷	۰/۲۳۴۰
۱۹۷۷-۷۸	۰/۴۹۲۵	۰/۴۵۸۴	۰/۳۹۸۶	۰/۳۴۰۴
۱۹۷۹-۸۰	۰/۵۴۳۲	۰/۴۲۰۲	۰/۴۶۶۲	۰/۳۸۵۶

این تخمینها نشان می‌دهند که در تمام دوره‌ها ضرایب جینی، پس از اعمال سیاست مالی، هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، کوچکتر از ارزشهای مشابه آنها در قبل از اعمال سیاست مالی، بوده‌اند. این تفاوت (قبل و پس از اعمال سیاست مالی) در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ هم برای مناطق شهری و هم برای مناطق روستایی در حداکثر میزان خود بوده است، و این امر بیانگر آن است که سیاست مالی دولت دارای بیشترین اثر توزیعی در سال ۸۰-۱۹۷۹، در مقایسه با سالهای قبل، بوده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که نظام مالی در این دوران دارای اثر جزیی در توزیع مجدد درآمدها به نفع طبقات درآمدی پایین بوده است. به‌طور کلی، در عمل، برای کشورهایی که خواهان توزیع درآمدهای نسبتاً برابری هستند، ضرایب جینی

باید حدود ۳٪ باشد، در حالی که برای کشورهایی که می‌خواهند این نابرابری را تجربه نمایند، این ضریب ممکن است به بیش از این نیز برسد. اگر این بیان پذیرفتنی باشد، جدول بالا نشان می‌دهد که ارزشهای جینی پس از سیاست مالی کمتر از قبل از آن بوده که نشان دهنده بهبودی در سطح برابری برای تمام دوره‌های موردنظر بوده است. ولی به هر حال، به جز سالهای ۷۵-۱۹۷۴، مقدار این ضریب همچنان بالا بوده است و دولت باید سیاستهای جدی‌تری را برای کاهش این سطح نابرابری اتخاذ نماید.

### ۱۱) نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده است که درجه نابرابری درآمدها با استفاده از تخمین ضرایب جینی اندازه‌گیری گردد. سپس این ضرایب جینی با آن ضرایب جینی که سیاستهای مالی دولت اعمال گردیده مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا از این طریق بتوان اثر سیاستهای بودجه‌ای دولت را بر روی الگوی توزیع درآمدها مقایسه نمود. اعمال سیاست بودجه‌ای دولت، اثرات توزیعی مالیاتها و مخارج مختلف دولت، و هم‌چنین اثرات کل توزیعی سیاستهای مالی دولت برای سالهای مختلف هم برای مناطق شهری و هم روستایی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

این مطالعه نشان می‌دهد که مسیر و روند کلی تغییر در توزیع درآمدها در مناطق شهری و روستایی شبیه به هم هستند. ولی توزیع درآمدها در مناطق شهری از نابرابری بیشتری نسبت به مناطق روستایی برخوردار بوده است.

اختلاف و شکاف در توزیع درآمدها (قبل از اتخاذ سیاستهای مالی) در طول زمان، هم در مناطق شهری و هم روستایی افزایش یافت. بدین معنی که در طول زمان، توزیع مجدد درآمد از گروههای کم‌درآمد به گروههای پردرآمد، انجام گرفته است. ضرایب تخمینی جینی در مناطق شهری و روستایی در طول زمان مورد بررسی، به طور مداوم افزایش یافته است.

به عبارت دیگر، تمرکز درآمد که با ضریب جینی اندازه‌گیری شده است، نشان‌دهنده افزایش نابرابری در طول سالهاست. به علاوه، با نگاه به روند توزیعی کلی بین مناطق شهری و روستایی، در می‌یابیم که درآمد مناطق شهری با نرخ سریع‌تری نسبت به درآمد مناطق روستایی افزایش داشته است. بنابراین، شکاف کلی بین مناطق شهری و روستایی افزایش یافته که این امر باعث بدتر شدن سطح نابرابری در توزیع درآمدهای کل گشته است.

در نتیجه، برای درک و فهم این مطلب که چرا تغییرات در الگوی توزیع درآمدها رخ نموده است، بعضی

از سیاستها و مطالعات ساختاری بین این مناطق مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

از دیگر یافته‌های مهم این مقاله آن است که هم برای مناطق شهری و هم روستایی، فشار مالیاتی بیشترین و سنگین‌ترین اثر را بر روی طبقات کم درآمد، و سپس بر طبقات درآمدی متوسط، و بالاخره اثرات بسیار ناچیزی بر روی طبقات پردرآمد گذارده است.

در مقابل، الگوی کلی منافع حاصل از مخارج دولت در مناطق شهری و روستایی در جهت عکس حرکت مالیاتها بوده و در نتیجه، اثر خالص، حرکت به سمت برابری بیشتر را نشان داده است.

یکی دیگر از نتایج جالبی که از این مطالعه حاصل شده است آن است که یک رابطه مثبتی بین میزان مخارج دولت برای یک بخش خاص و کاهش درجه نابرابری وجود داشته است. هر قدر مخارج دولت در بخش خاصی بیشتر گردد، درجه کاهش نابرابری بیشتر خواهد بود. به علاوه، محاسبات نشان داده‌اند که وزن و اهمیت مخارج مختلف بر توزیع درآمدها یکسان نبوده‌اند. به عبارت دیگر، یک ریال از مخارج دولت در بخشهای مختلف دارای اثرات توزیعی متفاوتی بوده است.

لذا نتیجه کلی حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که دولت با همان میزان مخارج کل می‌توانست با جابجایی بعضی از مخارج از بخشی به بخش دیگر نقش مهمتری را در توزیع درآمدها ایفا نماید. به عنوان مثال، تعلیم و تربیت در دوره مورد مطالعه به‌طور بالقوه بیشترین اثر را در کاهش نابرابری مناطق شهری داشته است؛ به همین ترتیب، مخارج برای بهداشت توانست به صورت بالقوه بیشترین اثر را در کاهش نابرابری مناطق روستایی ایفا نماید.

ارزشهای ضریب جینی نشان داده‌اند که گرچه الگوی تحمل فشار بودجه‌ای بین مناطق شهری و روستایی شبیه به هم است، ولی درآمد روستایی نسبت به درآمد شهری، از توزیع مناسب‌تری برخوردار بوده است. هم فشار مالیاتی و هم منافع حاصل از مخارج دولت برای طبقات مختلف درآمدی در مناطق شهری بزرگ‌تر از همان طبقات درآمدی در مناطق روستایی است.

روی هم رفته ارقام تخمینی نشان می‌دهند که نابرابری درآمدها بین مناطق شهری و روستایی در طول زمان افزایش یافته است. بنابراین می‌توان این چنین نتیجه گرفت که، در طول دهه گذشته، نابرابری درآمدها بین مناطق شهری و روستایی به‌طور جزئی افزایش داشته است. در مجموع می‌توان گفت که این نتایج دلالت بر این دارند که در دهه گذشته، سیاستهای مالی، به‌طور کلی، اثراتی جزئی در جهت افزایش برابری داشته‌اند.

منابع

1. A deleman , I . And Rabinson M. Imcone Distribution policy in Developing countries, california : Stanford university prem , 19780
2. Amuzegar, J. "Aneconomic Profile", Tlemiddle East Imstitnte, Washington, D.C., 1977.
3. Atkinson, Anthony B. "On the Measurement of Inequality," Journal of Economic Theory, 1970.
4. Bank Markazi Iran, Annual Report and Balance Sheets, (1970 - 80).
5. Bank Markazi Iran, Economic Report and Balance Sheets, Different years.
6. Berry, A. , Bougingnon, F., and Marrison C. "The level of world inequality : How Much can one Say?" Review of Income and Wealth, 1983.
7. Bird, M. and de wulf L. "Taxation and Income Distribution in Latin America : A critical Reiew of Empirical Studies". IMF staff papers, 1973.
8. Bishop, G.A. "Tax Burden by Income class, 1958, "National Tax Journal, 1968.
9. Graham, R."Iran : The Illusion of Power, New York : St Martin's Press, Inc. 1980.
10. Katozion, H. The political Economy of Modern Iran , New York : New York University press, 1981.
11. Looney, R.E. A development Strategy for Iran through the 1980s, NewYork praegers, 1977.
12. ... , Economic origins of the Iranian Revolution, NewYork : Pergamon press Inc. 1982.
13. Mehran, F. "Taxes and Incoms: Distribution of Tax Burden in Iran," ILO, Geneva, 1995.
14. Oshima, H, " Income Distribution, Mission paper no. II. " Employment and Income policies in Iran, World Employment Programe, ILO, Geneva, 1973.
15. Pesaran, M.H. "Income Distribution and its Major Determinants in Iran", A

paper presented to persepolis symposium Iran : past, present and Future, persepolis, Iran , 1975.

16. .... , "Income Distribution Trends in Rural and Urban Iran," Mineographed paper, BMI, Tebran, 1974.

17. Seers, D. "The Meening of Development, in the Political Economy of Development and Underdevelopment", Edited by charls K. Wilber, NewYork : Randon House, 1973.

18. Seligman E.R., "The Shifting and Incidence of Taxation", NewYork: Colombia University press, 1921.

19. Shahroodi, M.R. "Iranian Budget systems and Patterns of Government Expenditures," Ph.D. dissertation, Syracuse University, 1978.

20. Slowsky, M. "Who Benefit From Government Expenditures?" A Study of Colombia. Published for the world Bank, Oxford University press, 1979.

21. Shutz, R.E."on the measarement of Inequality" American Economic Review, 1951.

22. Yoingco, A.Q., and Trinidad, R.F., "Fiscal Systems and practices in Asian Countries, NewYork : Harper & Rom publisher, 1976.